روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - نمابر: ۸۸۶۵۴۳۹۲
نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir
سازمان آگهی‌ها: ۲۶۲۰۰۱۹۹
امور مشترکین: ۴۲-۸۸۳۴۱۱۳۸
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا - تلفن: ۸۸۸۲۲۳۹۰
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۷ - ۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۲۵ ■ شماره ۲۰۱ دوره جدید ■ چهارشنبه ۱۰ آذر ۱۳۸۹ ■ ۲۴ ذیحجه ۱۴۳۱ ■ ۱ دسامبر ۲۰۱۰

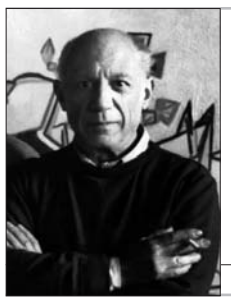

بیش از ۲۷۰ اثر از پیکاسو کشف شد

در فرانسه بیش از ۲۷۰ اثر ناشناخته از پابلو پیکاسو کشف شده است. عکس‌ها، کلاژها و طرح‌های یافته‌شده از پیکاسو بیش از ۶۰ میلیون یورو (حدود ۹۰ میلیون دلار) ارزش دارند. در میان کارها یک کار آبرنگ از «دوره آبی» و پرتره‌ای از اولگا همسر اول پیکاسو وجود دارد؛ و همچنین سه تابلوی کلاژ کوبیستی که ارزش آنها روی هم بیش از ۴۰ میلیون یورو (حدود ۶۰ میلیون دلار) تخمین زده می‌شود. پیکاسو از نظر ثروت و شهرت و محبوبیت یکی از موفق‌ترین نقاشان قرن بیستم شناخته می‌شود. نقاش اسپانیایی‌تبار فرانسوی در سال ۱۹۷۳ در ۹۲سالگی در جنوب فرانسه درگذشت.

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۳ اذان مغرب ۱۷:۱۱ اذان صبح فردا ۵:۲۷ طلوع آفتاب ۶:۵۶

آخر

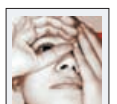

پیشنهاد اول

«یوسف خوشنام ما» شجریان، «نینوا»ی حسین علیزاده

سنت‌شکنی

ارسلان کامکار

آلبوم‌های قدیمی محمدرضا شجریان را فراموش نکنید. آهنگسازی پرویز مشکاتیان با صدای محمدرضا شجریان در آلبوم‌هایی مثل «دستان»، «آستان جانان» و... شما را در لذت غرق می‌کند. ترکیب ملودی‌های زیبا، قرص، محکم و استخوان‌دار مشکاتیان که پشت هر صدایش منطق وجود دارد و صدای محمدرضا شجریان بی‌نظیر است. راستش هرازگاهی که این آثار را به خصوص قطعه «یوسف خوشنام ما» را می‌شنوم چنان لذت می‌برم که دلم می‌خواهد زمان متوقف شود. از سوی دیگر ملودی «نینوا»ی حسین علیزاده یکی از بهترین قطعاتی است که تاکنون شنیده‌ام و به همه آنهایی که برای موسیقی وقت صرف می‌کنند، پیشنهاد می‌کنم این قطعه به یادماندنی را که واقعاً ارزشمند و جزء آثار ماندگار موسیقی ایران است، فراموش نکنند. آثاری که پیشنهاد کردم کارهایی هستند که هم به لحاظ زیبایی و هم تکنیک جزء آثار درجه اول موسیقی ما هستند، پس بهتر است قدرشان را بدانیم و هرازگاهی سراغشان برویم چراکه فهم و شعور موسیقایی ما را بالا می‌برد.شاید رسم نباشد اما من می‌خواهم در همین یادداشت کوتاه یک سنت‌شکنی هم بکنم و آلبوم «خورشید مستان» را که خودم و هوشنگ کامکار آهنگسازی آن را انجام داده‌ایم پیشنهاد کنم.هوشنگ برادرم همیشه می‌گوید خود من اگر دو نفر شوم، یک نفرم روی صحنه باشد و دیگری در قالب مخاطب، هیچ وقت به تماشای آثار خودم نمی‌نشینم. دلیلش توهین‌آمیز نیست.راستش خودمان آنقدر شنیده‌ایم که گوش‌مان پر شده است، اما شاید مخاطبان نظر دیگری داشته باشند.

درگذر زمان

سالروز تولد چرچیل

وعده من: خون و رنج و اشک

فریدون مجلسی

چرچیل از آخرین دایناسورهای بریتانیای استعماری بود که آفتاب در افق‌های امپراتوری‌اش غروب نمی‌کرد! بازمانده مردانی که عظمت بریتانیا را در گستردگی امپراتوری آن می‌دیدند و با چنگ و دندان در حفظ آن می‌کوشیدند. قرن بیستم به نیمه نزدیک می‌شد، و آنان دروازه‌های خروج از قرن ۱۹ را رها نمی‌کردند. نام او بیش از هرچیز با جنگ جهانی دوم گره خورده است. دوران عجیبی بود. آلمان تحقیر شده در پی جنگ جهانی اول واکنش نشان می‌داد و اعاده حیثیت و اعتماد به نفس خود را در پیروی از سرجوخه‌ای نیمه‌دیوانه دیده بود که می‌خواست با درهم شکستن آنهایی که شکستش داده بودند انتقام بگیرد و با نوید حکومت هزارساله بر جهان به عظمت دست یابد، اما ارمغانش برای ملتش جز مرگ و ویرانی و شکست نبود. ما فرزندان دوران جنگ در ایران شاید پیش از هر نام بیگانه دیگری با نام چرچیل آشنا شده بودیم. در اینجا ملت دیگری داشت با ملی کردن صنعت نفتش، یعنی تنها دارایی‌اش و آن هم دارایی به تاراج رفته‌اش، عقده تاریخی خود را علیه دو قرن تحقیر و بی‌عدالتی انگلستان می‌گشود، و می‌شنیدیم در آنجا غولی در برابر اراده و آرزوی ملت ایران مقاومت می‌کرد، نام آن غول چرچیل بود. نزد ما بدنام و منفور بود. ملت ایران حرف خود را پیش برد، شاخ غول را شکست، و نفت خود را ملی کرد! آن‌وقت دچار فشار مالی شد. از مردمانش وام خواست، و ما، بچه‌ها، همراه بزرگان و بزرگ‌ترها پول‌های عیدی و پس‌اندازهای خود را دادیم و اوراق قرضه ملی خریدیم، که داشتن آن سند افتخار بود! آن‌وقت جشن گرفتیم و فریاد زدیم: «نفت ما ملی شده/ خاک بر سر چرچیل شده!» هنوز نمی‌دانستم که قضاوت درباره مردی سیاسی با خدماتش در راه حفظ و توسعه منافع ملت و کشور خودش سنجیده می‌شود، نه با خدماتش در راه منافع کشور یا ملتی دیگر! وقتی هیتلر گام به‌گام در اروپا پیش می‌رفت، اتریش را به خود ملحق کرد، سرزمین‌های آلمانی‌نشین سوئد و چکسلواکی را به خود ملحق کرد، و در شمال و جنوب اروپا برای خود متحدانی دست‌وپا کرد، چمبرلن نخست‌وزیر انگلیس به تصور اینکه دیگ طمع هیتلر بیش از آن گنجایش ندارد در برابر او نرمش و سازگاری نشان داد. آنگاه هیتلر با شوروی پیمانی ۱۰ساله بست و لهستان را برادرانه میان خود تقسیم کردند. دیگر جای درنگ نبود، به آلمان اعلان جنگ دادند و چرچیل را به عنوان نخست‌وزیر و رئیس اداره برنامه دفاعی انگلستان به جای چمبرلن گماردند. به‌زودی هلند، نروژ، دانمارک، بلژیک و سرانجام فرانسه به اشغال آلمان درآمدند، و در این زمان ایتالیای موسلینی هم به آلمان پیوسته و در اسپانیا نیز فرانکو بی‌طرفی جانبدارانه‌ای در برابر آلمان در پیش گرفته بود. هنوز امریکا و شوروی وارد جنگ با هیتلر نشده بودند، در چنین شرایط نومیدانه‌ای، در آن جزیره منزوی شده، همت بسیار لازم بود تا به مردمانش روحیه بخشد، و آنان را به پایداری وادارد. پیروزی متفقین تا حد زیادی مرهون همان پایداری بود. در چنان شرایطی در ۱۹۴۰ بود که چرچیل در پیامی تاریخی خطاب به ملت جنگ‌زده‌اش گفت: «وعده من به شما جز خون و رنج و اشک نیست!» پاریس در خرداد ۱۳۱۹ به اشغال هیتلر درآمده بود، و او در خرداد ۱۳۲۰ ابلهانه به شوروی حمله و جنگی فرسایشی را آغاز کرد، و در سوم شهریور همان سال نیروهای روس و انگلیس ایران را اشغال کردند، تا راه پیشروی هیتلر را به سوی منابع نفت ببندند، و سه ماه بعد با حمله ژاپن به پرل هاربر امریکا نیز وارد جنگ شد، و ورق برگشت. در واقع آن روزهای سیاه به مردی چون چرچیل فرصت داد که خود را به عنوان چهره‌ای تاریخی به ثبت رساند.او روحیه‌ای شوخ‌طبع داشت، و شهرت دارد که در باب محبوبیتش نزد عامه مردم تعریف کرده بود که روزی برای سخنرانی مهمی در بی‌بی‌سی با تاکسی عازم آن محل در لندن بود. وقتی به مقصد رسیدند، به راننده گفت آیا می‌تواند تقاضا کند که نیم‌ساعتی برایش صبر کند که کارش را انجام دهد و با همان تاکسی به خانه‌اش بازگردد. و راننده پاسخ داده بود نه، متاسفم آقا، اکنون باید خودم را هرچه زودتر به خانه برسانم زیرا قرار است چرچیل در رادیو سخنرانی مهمی کند. و چرچیل که از این وطن‌پرستی راننده و محبوبیت خودش به وجد آمده بود، اسکناسی ۱۰ پوندی به او انعام می‌دهد. و راننده در پاسخ می‌گوید: «متشکرم، گور پدر چرچیل! با این لطف شما حاضرم حتی تا فردا صبح منتظر بمانم!» باری چرچیل، لرد اول دریاداری، نخست‌وزیر دوران جنگ، و نخست‌وزیر دوران ملی شدن صنعت نفت ایران، در سال ۱۹۵۳ برنده جایزه نوبل شد. نوبل برای صلح؟ نه، او مرد جنگ بود. نوبل اقتصاد برای سامان دادن به اقتصاد جنگ‌زده انگلیس؟ نه، او اقتصاددان نبود. او به خاطر نوشته‌هایش، به خصوص خاطرات چندین‌جلدی جنگ جهانی دوم برنده جایزه ادبیات نوبل شد!

گزارش آخر : «ملک سلیمان» چقدر فروش داشته است؟

حامیان ملک سلیمان

گروه فرهنگی: بالاخره فروش یک فیلم در سینماهای تهران از مرز یک میلیارد تومان گذشت. در حالی که تقریباً یک چهارم از آخرین سال دهه هشتاد باقی مانده و در زمانی که اغلب فیلم‌ها انتظارات اقتصادی سازندگان خود را برآورده نکرده‌اند، فروش میلیاردی فیلم «ملک سلیمان» در سینماهای تهران به اعداد نیمه جان جدول فروش جان داد و صدر این جدول کم تغییر در طول سال جاری را دستخوش تغییر کرد، اما آیا این فروش واقعی است؟

مردم را با سینما آشتی دادیم

«مجتبی فرآورده» تهیه‌کننده این فیلم در پاسخ به این سوال می‌گوید: «ما توانستیم اعتماد مردم را جلب کنیم و آنهایی را که سال‌ها با سینما قهر بودند دوباره به سینما برگردانیم و این فروش از طریق بلیت‌فروشی بوده است. مگر می‌توان کسی را به زور به سینما برد؟» او در ادامه پیشنهادی را مطرح می‌کند: «می‌توان به سراغ سینماداران رفت. مثلاً سینما تربیت قم. می‌توانید بروید آنجا و ببینید چه کسانی به سینما می‌آیند.» «فرآورده» در حالی سینما تربیت قم را به عنوان جامعه نمونه آماری مطرح می‌کند که پیشتر سایت تابناک خبر حمایت طلاب از این فیلم را منتشر کرده بود. در خبر سایت تابناک که منتسب به محسن رضایی است، آمده: «حمایت طلاب و روحانیت از فیلم ملک سلیمان، با این عنوان شروع می‌گردد: «برای رشد هنر مذهبی، انتقاد از سینمای مبتذل کافی نیست، حمایت از هنر متعهد هم لازم است.» و در ادامه به افتخارات و ویژگی‌های منحصر به فرد این فیلم اشاره شده و در آخر خواسته با استقبال مخاطبین مذهبی از این فیلم، پیام مهمی را به جامعه هنری منتقل کنند.» سایت حوزه علمیه قم نیز از نمایش این فیلم در سالن همایش‌های بین‌المللی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه با حضور عوامل فیلم و آیت‌الله جوادی‌آملی خبر داده است. مجتبی فرآورده در گفت‌وگو با رسا (که توسط عده‌ای از طلاب و دانش‌پژوهان حوزه علمیه قم فعالیت می‌کند) از صحبت با آیات عظام قبل از ساخت فیلم خبر داد و گفت: «پیش از ساخت فیلم برای استفاده از نظرات مراجع تقلید، عازم قم شدیم و از محضر حضرات آیات جعفر سبحانی و عبدالله جوادی‌آملی بهره بردیم.» او در ادامه گفت: «چند مرتبه خدمت حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی رسیدیم و ایشان مطلبی را با عنوان هنر و مبانی هنر بیان کردند که ترسیم خط بسیار زیبایی برای ورود به قصص قرآنی است.» «چرا شکل بلیت‌هایی که برای این فیلم در سینماها به فروش می‌رسد فرق می‌کند؟» تهیه‌کننده این فیلم در این باره به شرق می‌گوید: «تنها برای چهار سینمای استقلال، سپیده، بهمن و شاهد بلیت نیم‌بها برای دانشجویان توزیع شده. چون این فیلم به صورت دالبی دیجیتال بوده و امکان نمایش فیلم در دانشگاه‌ها نبود این امکان را فراهم کردیم که دانشجویان بتوانند در سینماها فیلم را ببینند.» «در مورد دانش‌آموزان چطور؟» او در پاسخ به این سوال می‌گوید: «این امکانی است که در اختیار همه فیلم‌ها هست. طبق قراردادی که بین شهرداری و وزارت آموزش و پرورش برقرار شده، برای دانش‌آموزان بلیت‌هایی با تخفیف در نظر گرفته شده است. این تقصیر ما نیست که دانش‌آموزان دوست دارند خودشان به دیدن فیلم ملک سلیمان بیایند.» «اما در خبرها آمده است که امکان دیدن بیش از صدهزار دانش‌آموز از فیلم فراهم شده است؟» فرآورده می‌گوید: «ما از حدود ۱۲ -۱۰ روز بعد از اکران فیلم به همت اتحادیه انجمن‌های دانش‌آموزی جشنواره دانش‌آموز برگزار کردیم که اختتامیه آن هم عید غدیر برگزار شد. خیلی از دانش‌آموزان در این مسابقه شرکت کردند.»

حمایت صفارهرندی از «ملک سلیمان»

فرآورده در شرایطی از برگزاری جشنواره دانش‌آموزی برای تریبون نماز جمعه و همکاری دولت و آموزش و پرورش شد. او گفت: «من معتقدم همه وعاظ ما وظیفه‌شان است که الان فیلم ملک سلیمان را تبلیغ بکنند. تریبون‌های نماز جمعه ما باید بگویند که فیلم ملک سلیمان را ببینید. نه به خاطر اینکه دلتان خنک بشود و یاد فتنه پارسال بیفتید که سرکوب شد، به خاطر اینکه بترسید از این استعداد که در وجود شما هم هست.» او در ادامه گفته است: «آموزش و پرورش می‌تواند به صورت جدی وارد شود چراکه نیاز دارد این فیلم توسط دانش‌آموزان دیده شود. از این همه یارانه‌ای که می‌دهیم یک سهمی هم به اینجا بدهیم و بتوانیم فیلم را نیم‌بها برای قشری از کارمندان دولت و برای بخش‌های قابل توجهی نمایش دهیم.»

محسن رضایی هم به تماشای ملک سلیمان نشست

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از دیگر شخصیت‌های سیاسی بود که به تماشای این فیلم نشست و خبر آن را روی وب‌سایت شخصی‌اش منتشر کرد. تهیه‌کننده این فیلم در برابر پرسش «شرق» مبنی بر اینکه می‌گویند نهادهای دولتی از این فیلم حمایت کرده‌اند و بلیت سینماهای پردیس را با قیمت چهار هزار تومان خریداری کرده‌اند، می‌گوید: «اگر نهادهای دولتی چنین کاری کرده باشند متولیان سینمایی و اهالی سینما باید دست آنها را ببوسند که به چرخه اقتصادی سینما کمک کرده‌اند. در کشور ما مرسوم است که به قطار در حال حرکت سنگ پرتاب کنند و همیشه افراد قلیلی هستند که بسیار حرف می‌زنند بی‌آنکه چیزی گفته باشند. کسانی که چند سال مدام گفتند این فیلم به سرانجام نمی‌رسد و با شایعه‌پراکنی هزینه‌های نجومی برای آن اعلام کردند، فیلم که به اتمام رسید، گفتند این فیلم در اکران ۵۰ میلیون هم نخواهد فروخت، حال که فیلم مورد استقبال قرار گرفته و با شرایط موجود، فروش قابل قبولی داشته با توهین به مخاطبان فیلم می‌گویند مردم را به زور به سینما می‌برند و...»

هزینه‌های «ملک سلیمان»

سال ۱۳۸۳ پیشنهاد ساخت فیلمی فاخر از سوی محمدمهدی حیدریان معاون امور سینمایی مطرح و از سوی مجلس شورای اسلامی هم بودجه‌ای برای تولید این فیلم تصویب شد. صحبت‌ها درباره هزینه تولید «ملک سلیمان» بسیار بوده اما فرآورده می‌گوید: «هزینه ساخت این فیلم پنج میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان شده است که چهار میلیارد تومان از سوی موسسه فارابی از ردیف بودجه‌ای که مجلس در بخش تولید آثار موسوم به فاخر مصوب کرده بود و ششصد میلیون تومان نیز از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه برای این فیلم سرمایه‌گذاری شد.» فیلمنامه این کار ۳۹ بار بازنویسی شد. این فیلم در ردیف تولیدات عظیم سینمای ایران (Big Production) دسته‌بندی می‌شود. دکورهای عظیم در منطقه بادخیز شهریار، ساخت مکانیکی برخی از وسایل و اجزای صحنه، طراحی موجودات افسانه‌ای، طراحی و اجرای فضاها و ساختمان‌های فیلم در فضای مجازی، ایجاد سایت تخصصی پردازش تصاویر در درون کشور و انجام پاره‌ای از امور فنی در مرحله پس از تولید در بیرون از ایران، از جمله فعالیت‌های انجام گرفته در این پروژه است. فروش میلیاردی فیلم «ملک سلیمان» چقدر تحت تاثیر حمایت افراد مختلف و تبلیغات تریبون‌های رسمی بوده است و چقدر مردم خود آن را انتخاب کرده‌اند.

پیشنهاد دوم : نمایش «هیاهوی همهمه همگانی»

نسل جدید بازیگران ایران

فرزاد موتمن

«هیاهوی همهمه همگانی» شادمهر راستین کار بسیار باارزش و جذابی است. راستین با این نمایش نشان داد که یک تمرین کلاسی را هم می‌توان دیدنی و تماشایی کرد. در واقع نمایشی که می‌خواهم دیدن آن را توصیه کنم محصول تلاش عده‌ای از هنرجوهای بازیگری موسسه کارنامه زیر نظر شادمهر راستین است. ظاهراً ایده قصه‌ها را هم خود بازیگرها داده‌اند و راستین در نهایت آنها را روتوش کرده است. او ایده اولیه را به هنرجوها داده است؛ اینکه وقتی بچه‌ها وارد کافی‌شاپ می‌شوند چقدر به حرف آدم‌های میزهای کناری گوش می‌دهند. بچه‌ها قصه‌های مختلفی را در رابطه با این سوژه طرح کرده‌اند؛ قصه‌های تازه‌ای که شادمهر راستین در این نمایش ریتم خوبی به آنها داده است. راستین راه‌های جالبی را برای گذر از یک قصه و رسیدن به قصه دیگر در نظر گرفته؛ راه‌هایی که ناخودآگاه مخاطب را غافلگیر می‌کند.نمایش «هیاهوی همهمه همگانی» نمایشی است برای معرفی نسل جدید بازیگران سینما. پس اگر به سینما و تئاتر علاقه دارید این نمایش را از دست ندهید اما یک نکته را هم فراموش نکنیم این نمایش را به چشم یک اجرای حرفه‌ای ببینیم. «هیاهوی همهمه همگانی» یک اجرای خوب دانشجویی است و به نوعی نسل جدیدی از بازیگران را معرفی می‌کند.

قضیه شکل اول، قضیه شکل دوم: آنها که فروش «ملک سلیمان» را افتخار خود می‌دانند

زیر نگین سلیمان

مینا اکبری

فروش یک میلیاردی فیلم «ملک سلیمان» را باید مانور اقتصادی دولت در اکران دانست. بسیج همه امکانات در بخش‌های مختلف برای بالا بردن فروش این فیلم نشان داد امکانات گسترده و بالقوه‌ای در تهران برای بالا بردن استقبال مردم از سینما وجود دارد که به دلایلی درباره همه فیلم‌های سینمای ایران از آنها استفاده نمی‌شود. این امکانات تنها در زمانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند که فیلم مورد نظر نه‌تنها تاییدشده در سیستم دولتی (چه بسیار فیلم‌های مورد تایید و جایزه گرفته که هنگام اکران به فراموشی سپرده شده‌اند) و نه حتی تولیدشده در ساز و کار دولتی (چه بسیار فیلم‌های تولید شده با سرمایه دولت که هرگز اکران نشده‌اند) بلکه تایید و تولید آن ابعاد فراملی پیدا کرده (مانند ملک سلیمان) و فروش آن به مثابه تایید ساز و کار دولتی پشت تولید فیلم (دوباره مانند ملک سلیمان) باشد. برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم گفته باشم، اینکه نهادهای دولتی و صدا و سیما از تماشای فیلم و رفتن به سینما حمایت کرده و باعث رونق سینماها شوند، امر قابل تقدیری است. در شرایطی که سینمای ایران نیازمند توجه بیشتر مردم است، صرف هزینه برای آشتی مردم با سینما امر پسندیده‌ای است که بدون شک روی اقبال عمومی باقی فیلم‌ها تاثیر خواهد گذاشت. اما یک سوال در این میان بدون پاسخ باقی می‌ماند؛ اگر امکاناتی که صرف فروش و بالا بردن استقبال ملک سلیمان شده در پایتخت وجود دارد و سینمای ایران نیازمند استفاده از آن است، چرا این امکانات فقط برای یک فیلم مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و همه فیلم‌های ایرانی از این امکانات سود نمی‌برند. با فیلم‌هایی که به شکل واضح امیال سازندگان‌شان از ریخت تولیدشان پیداست، کاری ندارم، اما فیلم‌های فرهنگی نیازمند حمایت که همه‌ساله در اکران سوخته و ظرفیت دیده شدن خود را از دست می‌دهند، آیا نباید از این امکانات که به شهادت اکران ملک سلیمان موجودند بهره‌مند شوند؟ چه کسی باید این ظرفیت را از قوه به فعل درآورد؟ چه اهرم‌هایی باید به فکر تعالی سینمای ایران و نه بزرگ کردن کارنامه خود باشند؟ چه نیروهایی باید سینمای ایران را کلیتی فرهنگی بدانند و نابرابری فرهنگی را به برابری مبدل کنند؟ بدون شک همه آنهایی که امروز فروش ملک سلیمان را مدال افتخار خود می‌دانند، این وظیفه را دارند. به قول حافظ: از لعل تو گر یابم انگشتری زنهار / صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد.

یادداشت‌های شهر شلوغ: برای پری صابری

این جهان جنگ است چون کل بنگری

جواد طوسی
tosijavad@gmail.com

خانم «پری صابری» همواره برای نگارنده قابل احترام بوده است؛ چه آن زمان که بر اساس بافت طبقاتی خود نگاهی آوانگارد داشت و نمایشنامه‌هایی چون «جزیره بزها» را در تالار مولوی روی صحنه برد و چه در این دوران که به حوزه شعر و عرفان روی آورد و با حافظ و مولانا و فردوسی محشور شد. قالب نمایشنامه‌های او در طول دوران بعد از انقلاب (به جز آنتیگون نوشته سوفوکل که در زمستان ۷۹ اجرا شد) ترکیبی از نظم و نثر بوده که مولفه‌های اصلی اجرایی‌شان موسیقی و حرکات موزون و همسرایی بوده است. این دغدغه‌مندی مداوم در ارائه تصویری از حس و روح شرقی و مفاهیم و ارزش‌های ملی به آثار این دوره او هویتی اصیل و اینجایی داده که «عشق و تعهد» را به شکلی خودجوش و غیرمتظاهرانه معنا می‌کند. توجه داشته باشیم که تجربیات اولیه در این حال و هوا همچون «هفت شهر عشق» (بر اساس منطق‌الطیر عطار نیشابوری) و «بیژن و منیژه» و «رستم و سهراب» (شاهنامه فردوسی) از سوی برخی منتقدان در تعارض با ذات تئاتر تشخیص داده شد، ولی رفته‌رفته این شیوه نمایشی و اجرا در «یوسف و زلیخا»، «رند خلوت‌نشین»، «سوگ سیاوش»، «من از کجا، عشق از کجا»، «لیلی مجنون»، «شمس پرنده» و «هفت‌خوان رستم» به عنوان سبک کاری «پری صابری» جا افتاد. آنچه برای او در این انتخاب‌های کم و بیش همسان اهمیت داشته، قابلیت‌های نمایشی عرصه ادب ایران‌زمین است. او در این مجموعه آثار با یکسری واژه‌ها و مفاهیم ازلی و ابدی کار کرده تا پرده‌هایی از عشق و عرفان، ستیز و مهرورزی، اسطوره و حماسه، تراژدی و مرگ و... خلق کند و در معرض دید بیننده‌اش قرار دهد. تمهید حساب‌شده‌ای که در اکثر قریب به اتفاق این مجموعه آثار «پری صابری» کاربرد دوگانه دارد، شکل استفاده جذاب و تهییج‌کننده از موسیقی است. از یک سو، موسیقی بخشی از پیکره نمایشی با این نوع سبک و مشخصه‌هاست و از سوی دیگر در بعضی مواقع ضعف‌های آشکار و نهان کار را استتار می‌کند. در همین نمایشنامه در حال اجرای «رستم و اسفندیار» جدا از ارزش‌های کلی کار و ایجاد جذابیت‌های بصری و شنیداری و تلاش در ایجاد تنوع و هویت‌مندی در محیط صحنه و آدم‌های مختلفش، با ضعف‌هایی در انتخاب برخی از بازیگران و لحن کلام و گویش و فیزیک بدنی آنها و نوع ورود به این داستان شاهنامه و حدود و ابعاد وفاداری به آن مواجهیم. «پری صابری» سعی کرده با حجم گسترده موسیقی و استفاده از سه خواننده خوش‌صدا (به ویژه صبا ضامنی) و تبدیل هرازگاه این مجموعه به یک همخوانی آمیخته با شور و حماسه و مرثیه‌سرایی، این نقیصه‌ها را بپوشاند. اما از اینها که بگذریم، باید تداوم حضور پرانگیزه «پری صابری» در فضای خنثی و سترون و هویت‌باخته کنونی و پایمردی زنی ریشه‌یافته در فرهنگ و هنر این خاک را برای حفظ و اشاعه شناسنامه اصیل ایرانی ارج نهاد.

چشم‌انداز: تدبیر در چگونگی ادامه راه

یک اتفاق واقعی

امیرحسین علم‌الهدی

طبیعی است در کشوری که پر از سوءتفاهم و توهم توطئه است این سوال پیش می‌آید که آیا این فروش فیلم‌ها واقعی است؟ فروش‌های میلیاردی. قبل از اینکه به این سوال پاسخ دهم تعجب خودم را از طرح چنین سوالی نمی‌توانم پنهان کنم. در حالی که سینمای ایران چندین سال است که دچار بحران مخاطب است و مردمان این سرزمین علاقه‌ای به سینما رفتن ندارند چطور می‌شود که فیلم یا فیلم‌هایی که فروش میلیاردی دارند (با احتساب قیمت بلیت سینماها) این سوال را به ذهن متبادر کنند که این فروش‌ها واقعی است؟ معتقدم ملک سلیمان با تمام ایراداتی که دارد تجربه گرانسنگی برای سینمای ایران است و قدر این تجربه را باید دانست و حال که به این فروش دست یافته است باید خوشحال باشیم چون چاره‌ای نداریم. در این وانفسای فروش‌های پایین فیلم‌ها حال که این فیلم توانسته است فروش متوسطی را تجربه کند چرا خوشحال نباشیم؟ سینمایی که فیلم‌های زیرپله‌ای آن هوش از سرمان می‌برد و در این بازار بی‌رونق وقتی یک فیلمی می‌تواند به فروش دو میلیاردی در سطح کشور دست پیدا کند چرا خوشحال نباشیم؟ همه می‌دانیم که این فیلم با نگاه توجیه اقتصادی به تولید نرسیده است و ساخت آن بیشتر از منظر تجربه بوده است، پس اگر در شهر ۱۴ میلیونی تهران فیلم‌های سال۱۳۸۹ هر کدام بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تماشاگر داشته‌اند و در این زمان فیلمی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تماشاگر به خود دیده است پس باید خوشحال باشیم و به گذشته نگاه نیندازیم و افسوس آن را نخوریم! چاره‌ای نداریم که به آینده نگاهی بیندازیم و جوری رفتار کنیم که حداقل بتوانیم مخاطب سینما را در همین حد نگه داریم و با افزایش قیمت بلیت و فروش‌های میلیاردی این واقعیت را متوجه باشیم که در سینما آمار مخاطب یک شاخص توسعه است و هرچه این شاخص بالاتر باشد نشان از توسعه یک رفتار اجتماعی است و مردمان اینچنین دیاری سرخوشند و این زیبنده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیست که مردمانش هر پنج سال سینما بروند و راهی نداریم به جز اینکه سینما را از تولیدات زیرپله‌ای خلاص کنیم و از تجارب فیلم‌هایی که با پرده بزرگ معنا می‌یابند، استفاده کنیم حال این فیلم‌ها با هزینه‌های بالا تولید شود یا با اندیشه والا، مهم حفظ حرمت سینماست که با حضور مخاطب سنجیده می‌شود نه با تولیدات زیاد. سینما در این دیار نیاز به یک تفکیک در حوزه‌های تولید و نمایش دارد و ضمن توجه به دغدغه‌های اصلی تولیدکنندگان داخلی توجه مهم‌تری به رعایت حقوق مشتری و عرضه‌کنندگان این کالاها دارد که اگر این رابطه درست تبیین شود هم تولیدکننده کیفی داخلی منتفع می‌شود و هم عرضه‌کننده این کالا و هم مصرف‌کننده و در این صورت می‌توان گفت یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی در ایران در حال ارتقاست و مصرف‌کننده می‌تواند از تولیدات کیفی داخلی و خارجی در سالن‌های سینمایی سراسر کشور بهره‌مند شود و دیگر نگران این مطلب نباشیم که آیا این فروش‌ها واقعی هستند یا نه؟ بله فروش ملک سلیمان واقعی است و این یعنی ضرورت ادامه این راه مشروط به تدبیر در چگونگی ادامه راه؟

تاملات فلسفی: آثار شک‌ورزی

نقادی زمینه حرکت و بیداری

سیدیحیی یثربی

در هفته گذشته توضیح دادیم که آیا می‌توان از زندان یقینی که با تلقین و تقلید در ذهن ما ایجاد شده است رها شد؟ چگونه و کی؟ سپس به این نکته اشاره کردیم که راه دانایی را، هرچند در حد دانستن ندانستن‌ها، باز کنیم. سود بشر و سود حقیقت، در آگاهی و حرکت است، نه در غفلت و جمود. اکنون به دیگر عواملی که سبب می‌شود از یقین تقلیدی رها شویم اشاره می‌کنیم. عوامل حرکت: انسان برای شکستن برج و باروی یقین نخستین از شک بهره می‌جوید، یعنی تنها به وسیله شک می‌توان از دست یقین نخستین رها شد. اما اکنون باید دید چه عواملی در شکستن این برج و بارو به ما یاری می‌رسانند. رهایی از خام‌اندیشی و جزمیت و دست برداشتن از یقین نخستین با صفاتی که گفتیم بسیار مشکل است. اما اگر کسی اقدام به چنین کاری بکند عوامل گوناگونی باید او را یاری رسانند. ما به چند مورد از این عوامل اشاره می‌کنیم. الف- توان فکری. هوش انسان‌ها و بسامان بودن ذهن و فکرشان در اشخاص مختلف متفاوت است. بیرون رفتن از حصار خام‌اندیشی و عبور از نابالغی به بلوغ، نیازمند داشتن ذهن نیرومند و روش کارآمد است. چنان‌که گفتیم داشتن روش درست در توفیق تفکر نقش اساسی دارد. ب- شجاعت و اعتماد به نفس. شکستن حصار یقین و پیروز شدن بر همه خودخواهی‌ها و دلبستگی‌ها نیازمند شجاعت و اعتماد به نفس است. افراد ضعیف به خود جرات نمی‌دهند که حرکت کنند. اگر هم گامی به جلو بگذارند بسیار آسان عقب‌نشینی می‌کنند و عمری بر این می‌نازند که کم مانده بود به بیراهه روند، اما نجات یافتند. ج- برخورد آرا و افکار. در جایی که تنها یک فکر اساس کار باشد حرکت دشوار خواهد بود. اما اگر در جامعه افکار گوناگونی به صورت فعال حضور داشته باشند و با یکدیگر درگیر شوند، به گونه‌ای که هر کس بتواند عقیده دیگران را نقد و از عقیده خود دفاع کند، زمینه برای بیداری و حرکت آماده خواهد شد. در مورد عوامل یاری‌دهنده به همین سه مورد قناعت می‌کنیم و در پایان به موانع و مشکلات حرکت نیز می‌پردازیم. اگر کسی استعداد حرکت فکری داشته باشد عوامل گوناگونی او را از این حرکت باز می‌دارند که به چند مورد از آنها نیز اشاره می‌کنیم. الف- حافظان وضع موجود. کسانی که به صورت قیم و نگهبان شرایط موجود در برابر هر گونه حرکتی می‌ایستند و با افرادی که اندک تکانی بخورند مبارزه می‌کنند. ب- بی‌تفاوتی. در جایی که دانایان جامعه به دلایل گوناگون نسبت به حق و باطل بی‌تفاوت باشند در آنجا بستری برای حرکت فکری نخواهد بود. اکنون ما در جامعه خود با همین بی‌تفاوتی هر دیدگاهی را درس می‌دهیم. از اینجاست که در دانشگاه‌های ما به جای نقد سازش و مجامله حاکم است. بدیهی است که در چنین شرایطی مراکز علمی ما مساله و تحقیق نخواهند داشت. ج- سرمشق‌های نامناسب از مستشرقان غربی گرفته تا دستفروشان داخلی خودمان.

خبر آخر: ماریو مونیچلی درگذشت

ماریو مونیچلی فیلمساز و فیلمنامه‌نویس کهنه‌کار ایتالیایی دیروز در ۹۵ سالگی درگذشت. به گزارش مهر به نقل از ورایتی این سینماگر نامزد جایزه اسکار پس از آنکه خود را از طبقه پنجم بیمارستانی در رم به پایین پرتاب کرد جان سپرد. مونیچلی دو سال پیاپی همراه با آجه، فیوریو اسکارپلی، جرجو سالوون